

«تنها مورد استعمال مجاز اصطلاح آریایی درباره اقوامی است که در ازمنه باستانی خود، خویشتن را آریا می نامیدند. هندیان [12] و ایرانیان (پارسیان) [13] و مادها [14] و اسکیت ها [15] و آلان ها [16] و اقوام ایرانی زبان آسیای [17] میانه خود را آریا می خواندند»

(ا. م. دیاکونوف: «تاریخ ماد»، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲، سطرهای ۵ تا ۹).

(اسناد در ص ۴۸۱-۴۸۲ حاشیه فصل دوم)

[12] عادتۀ در ودا و غیره.

[13] داریوش اول در کتیبه نقش رستم «a» می گوید که او «هخامنشی است و پارسی و فرزند پارسی و آریایی و از خاندان آریاییهاست».

[14] هردوت ، VII ، ۶۲: «در عهد باستان همه ایشان را آریایی می خواندند». سپس چنانکه رسم یونانیان بوده افسانه ای در منشأ این اصطلاح می آورد و مادیه را (mēdoi همان mādoi است منتهی به لهجه یونی) از زنی که قهرمان یکی از افسانه های یونانی بوده یعنی مدیه (medei) میداند

[15] و. ای. آبایف، زبان و فرهنگ عامیانه آستی (آسی) ، I ، مسکو-لنینگراد، ۱۹۴۹ ص ۱۵۶: - arya - «قبیله اسکیتی». در نام های خاص:

Ariantas < arya – vanta

Ariapeiths < arya – paiva

Ariaramnēs < arya – rāmna

(نامی که در خاندان هخامنشی وجود داشته و پارسیان نیز از آن اطلاع داشته اند)

Ariapharnes < arya – farna

و در اسم خاص متأخرتری:

Alexsarthos < alyexšarv < arya – xšarva

a la (1) ā n < alyan < aryana – A. A. Friedman, Ossetica, [16]

(3) صفحه ۱۵۹ ، Rocznik Orientalistyczny, III,

(و. ای. آبایف. تالیف مذکور صفحه ۲۴۶)

[17] اسامی خاص فراوان اقوام مذکور که با Arya (آریا- آریایی) تشکیل شده شاهد این مدعی است. مثلاً در زبان پارته‌ها (اسناد نسا نزدیک اشک آباد - عشق آباد) آریا برزن (aryabarzān) و آریانی یستک (Aryaniyastak) آمده است. (ای. م. دیاکونوف و م. م. دیاکونوف و و. آ. لیوشیتس. بایگانی پارته‌ها در نسا VDI ، سال ۱۹۵۳ شماره ۴ ص ۱۱۶) و بسیاری اسامی دیگر.